

آمارسازی به سبک قائم‌پناه

جعفر قائم‌پناه اخیراً طی سخنانی مدعی افزایش ده درصدی محبوبیت مسعود پزشکیان در استان آذربایجان شرقی شده است. معاون اجرایی رئیس دولت که برای چندمین بار در دو سال اخیر به تبریز سفر کرده، آمارهایی را نسبت به رضایت مردم استان آذربایجان شرقی بیان کرده که با صحبت‌های قبلی خود او و همین‌طور پزشکیان درباره رضایتمندی مردم از دولت چهاردهم در تناقض است. از سوی دیگر برخی معتقدند دولت چهاردهم توجه ویژه‌ای به استان آذربایجان شرقی و دیگر استان‌های ترک‌زبان به‌عنوان پایگاه رای پزشکیان داشته و توزیع بودجه براساس اینگونه اولویت‌ها صورت می‌گیرد.

۲



عاصم منیر در حالی وارد تهران شد که مرزهای پاکستان به روی کامیون‌های ایرانی بسته و نفت به ۱۱۰ دلار رسیده است

۷



رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مطرح کرد:

ایجاد حفره‌های امنیتی با تأخیر در معرفی وزیر اطلاعات

۳

نتانیاهو از آرایش متحدان تل‌آویو رونمایی کرد

پایان خوش خیالی به ابوظبی و باکو

۶



وقتی دشمن از براندازی می‌گوید، سکوت یعنی دعوت به حمله

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

۵ صفحه

اقتصادی

۳ صفحه

سیاسی

بحران مدیریت در شستا با سقوط سودآوری

بررسی صورت‌های مالی شستا، تصویری نگران‌کننده از عملکرد مدیریتی و ساختار مالی طی دو سال اخیر را نشان می‌دهد؛ تصویری که در آن، رشد اسمی اعداد و ارقام نتوانسته است ذره‌ای از عمق بحران واقعی در این مجموعه بکاهد.

صدای پای کودتا

تداوم انتصاب و حضور افراد دارای سوابق و مواضع ضدانقلاب در برخی نهادهای حاکمیتی، از دستگاه‌های اجرایی تا دانشگاه‌ها، بار دیگر مسئله نظارت بر صلاحیت مدیران و برخورد با عوامل ضدامنیتی را به کانون توجه بازگردانده است.

مجموعه مواضع و تحولاتی که تنها طی یک هفته گذشته رخ داده، دیگر حتی جایی برای خوش بینی‌های ساده اندیشانه باقی نگذاشته است. مسئله آمریکا و اسرائیل نه یک اختلاف هسته‌ای محدود، نه چند سانتریفیوژ و نه حتی یک توافق موقت است؛ دشمن از هدف تمدنی خود برای نابودی جمهوری اسلامی و خنثی‌سازی دائمی خط‌ایران در برابر محور استعماری آمریکا و اسرائیل عقب ننشسته است. سفر محرمانه پیت هگست به اسرائیل یکی از تازه‌ترین نشانه‌هاست.

متن کامل در صفحه ۷

خبر کوتاه

خلجی: چهار سال کافی بود تا مکرون طعم بحران خیابانی را بچشد

سپهر خلجی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم، با انتشار تصویری از دیدار امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، با مسیح علی‌نژاد، اپوزیسیون معاند خارج از کشور به قصد فشار بر جمهوری اسلامی و تصویری از اطلاعیه ممنوعیت تجمع در شهر ماریسی، به آنچه تناقض در مواضع سیاسی مکرون خواند، واکنش نشان داد. خلجی در این واکنش با اشاره به فاصله زمانی چهار ساله میان این دو تصویر، نوشت: «از زمانی که مکرون می‌خواست با پشتیبانی از ورشکستگان فراری در ایران براندازی کنه تا دیشب که مکرون ناچار شد از ترس براندازی دولتش در شهرهای فرانسه اطلاعیه حکومت نظامی صادر کند، فقط ۴ سال فاصله است.» وی در ادامه با لحنی انتقادی افزود: «بدبخت مکرون، بدبخت‌تر از مکرون ورشکستگانی که آویزون مکرون شدن!»

بهادری جهرمی: اروپا باد فتنه کاشت و طوفان درو می‌کند

روز گذشته، علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت شهید رئیسی، با انتشار پیامی در صفحه توئیتر خود، سیاست دوگانه کشورهای اروپایی در مواجهه با اعتراضات و ناآرامی‌ها را مورد انتقاد قرار داد. بهادری جهرمی با اشاره به حمایت کشورهای اروپایی از آشوب‌ها در دیگر کشورها و برخورد سخت‌گیرانه با ناآرامی‌های داخلی خود، نوشت: «اروپایی‌ها سال‌ها در کشورهای دیگر باد فتنه کاشتند و امروز در خانه خود طوفان درو می‌کنند!» وی در ادامه با تأکید بر آنچه برخورد دوگانه غرب با ناآرامی‌ها خواند، افزود: «آشوب در اروپا «جرم» است و مستحق سرکوب سخت و خشن؛ در دیگر کشورها «آزادی خواهی» است و سزاوار حمایت همه جانبه!»

انتقاد نیلی از تیتیر یک رسانه درباره اختلاف ترامپ و ونس بر سر ایران

میثم نیلی، مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی، در واکنش به تیترو تصویر یک رسانه، درباره اختلاف دونالد ترامپ و جی‌دی ونس بر سر ایران، از نحوه بازتاب این موضوع انتقاد کرد. نیلی با اشاره به تیتیر «ونس»: درباره ایران با ترامپ اختلاف دارم» و تصویر منتشرشده در صفحه نخست این رسانه، این رویکرد را ناشی از تحلیل نادرست و محاسبه اشتباه دانست. وی در واکنش خود نوشت: «این تیتیرهای غلط، ناشی از تحلیل نادرست و اشتباه محاسباتی در تیم مستقر در ارگان رسانه‌ای جبهه خودی است. حتی شائبه سفیدشویی دشمن و توجیه رفتار غلط و نابخردانه مذاکره‌کننده ارشد کشور در جریان مذاکره و مصافحه با ونس در اسلام‌آباد»، در شأن رسانه‌های انقلابی نیست.

ظهوروند: رسایی با زندانی شدن، محبوب تر شد

نماینده تهران در مجلس دوازدهم گفت: «هیچکس نباید صدای نماینده مردم را خفه کند. می‌شد اجرای حکم رسایی را به بعد از دوره نمایندگی موکول کرد اما این ماجرا به ضرر شاکی تمام شد که حین دوره نمایندگی، وی منتخب مردم را به زندان انداخت.» وی افزود: «زندانی رفتن رسایی در نهایت به نفع او تمام خواهد شد. مردم باید در این باره مطالبه‌گری کنند. این قضیه، رسایی را میان مردم محبوب‌تر خواهد کرد.» ظهوروند تأکید کرد: «بصیرت مردم در این جریان‌ها به قدری بالا رفت که در دوره‌های بعدی انتخابات به این افراد رای نخواهند داد. در قضیه آقای رسایی، وطن و منافع ملی، قربانی اشخاص شد!»

معاون اجرایی رئیس دولت مدعی افزایش ده درصدی محبوبیت پزشک‌ها در استان آذربایجان شرقی شد

آمارسازی به سبک قائم‌پناه

همین‌طور پزشک‌ها درباره رضایتمندی مردم از دولت چهاردهم در تناقض است. از سوی دیگر برخی معتقدند دولت چهاردهم توجه ویژه‌ای به استان آذربایجان شرقی و دیگر استان‌های ترک‌زبان به‌عنوان پایگاه رای پزشک‌ها داشته و توزیع بودجه براساس اینگونه اولویت‌ها صورت می‌گیرد.

جعفر قائم‌پناه اخیراً طی سخنانی مدعی افزایش ده درصدی محبوبیت مسعود پزشک‌ها در استان آذربایجان شرقی شده‌است. معاون اجرایی رئیس دولت که برای چندمین بار در دو سال اخیر به تبریز سفر کرده، آمارهایی را نسبت به رضایت مردم استان آذربایجان شرقی بیان کرده که با صحبت‌های قبلی خود او و



جعفر کاظمی

روزنامه‌نگار

مصاحبه، ابتدا مدعی حمایت قریب به اتفاق مردم از عملکرد پزشک‌ها شده و در ادامه در بیان جزئیات این آمار به اعداد بیش از ۴۰ درصد در این موضوع استناد می‌کند! معاون اجرایی دولت حتی در موضوع مذاکره نیز یک بازه ده درصدی را نادیده گرفته و مدعی حمایت ۵۰ تا ۶۰ درصد مردم از مذاکره شده‌است.

دولت همه استان‌ها را به یک چشم بیند
گذشته از خطاهای پرتکرار معاون اجرایی پزشک‌ها در بیان میزان محبوبیت ارکان دولت چهاردهم در استان آذربایجان شرقی، برخی‌ها معتقدند دولت فعلی بودجه و امکانات را به یک میزان در استان‌ها توزیع نکرده و در تخصیص امکانات، پایگاه رای پزشک‌ها در انتخابات ریاست جمهوری را مدنظر قرار می‌دهد. تعداد سفرهای استانی پزشک‌ها و اعضای ارشد دولت او به استان‌های یادشده، این انگاره را تقویت می‌کند. در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۳، عملاً ضریب رای بالای پزشک‌ها در استان‌های ترک‌زبان موجب پیروزی او در انتخابات شد و بر همین مبنا، صاحب‌نظران بسیاری نتیجه انتخابات گذشته را مصداقی از رای قومیتی تفسیر کرده‌اند.

مشخص شد که او از کمینه تا بیشینه آمار نظرسنجی را جمع زده و ۲۵ درصد پاسخ به گزینه محبوبیت کم و ۲۸ درصد پاسخ به گزینه متوسط را نیز به میزان محبوبیت پزشک‌ها افزوده بود!

پاسخ پزشک‌ها به قائم‌پناه

ادعای محبوبیت بالای پزشک‌ها از سوی قائم‌پناه در شرایطی بیان می‌شود که خود پزشک‌ها پیش از این به نارضایتی مردم از عملکرد دولت او اذعان داشته‌است. رئیس دولت زمستان سال گذشته در شصت و هشتمین جلسه شورای توسعه فرهنگ قرآنی با تأکید بر اینکه «مردم از ما ناراضی‌اند و حق هم دارند»، گفت: مشخصاً و واضحاً مردم از سیستم دولت ما ناراضی‌اند. حق دارند. علاوه بر مردم، مدیران و کارمندان دولت نیز از ما ناراضی هستند.» این سخنان پزشک‌ها البته در متن خبرسایت ریاست جمهوری از این جلسه سانسور شده و ساعاتی بعد در قالب ویدئویی از سخنان رئیس دولت منتشر شده بود.

خود قائم‌پناه نیز سال گذشته از انجام نظرسنجی ملی درباره رضایت مردم از دستگاه‌های اجرایی خبرداد و گفته بود: «تقریباً تمامی وزارتخانه‌ها — به جز دو یا سه مورد — در این نظرسنجی پوشش داده شدند. متأسفانه نتایج حاکی از آن است که اکثریت مردم از عملکرد دستگاه‌ها رضایت نداشتند و در برخی استان‌ها میزان رضایت به ۲۵ تا ۴۰ درصد رسیده بود.»

بیان آمارهای بی حساب و غیرمنطقی رویکرد دائمی قائم‌پناه طی دو سال اخیر بوده‌است. او چند ماه پیش در شرایطی که تفاهم اسلام‌آباد به شکست انجامیده بود، در مصاحبه با خبرگزاری دولتی ایسنا مدعی شد ۵۰ تا ۶۰ درصد مردم خواهان مذاکره و صلح شرافتمندانه‌اند. این آمار در حالی است که نظرسنجی‌های مختلف خلاف این ادعا را نشان می‌داد. قائم‌پناه در همین

قائم‌پناه اخیراً در جریان سفر استانی به آذربایجان شرقی و در جلسه شورای برنامه ریزی و توسعه این استان با اشاره به نتایج نظرسنجی درباره میزان رضایت مردم استان از رئیس‌جمهور اظهار کرد: میزان محبوبیت رئیس‌جمهور در آذربایجان شرقی از بالاترین میزان‌ها در کشور است و حدود ۷۷ درصد مردم، رضایت زیاد یا خیلی زیادی از ایشان دارند. وی افزود: با وجود همه مشکلات، میزان رضایت مردم استان از رئیس‌جمهور نسبت به سال گذشته ۱۰ درصد افزایش یافته‌است. معاون اجرایی رئیس‌جمهور با اشاره به سنجش میزان رضایت مردم از دستگاه‌های اجرایی گفت: ما هر سال نظرسنجی‌هایی درباره میزان علاقه‌مندی و رضایت مردم از عملکرد دستگاه‌های اجرایی و وزارتخانه‌های مختلف انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: در سال گذشته به دلیل جنگ، این نظرسنجی انجام نشد، اما امسال اجرای آن آغاز شده‌است تا میزان رضایت مردم از دستگاه‌های دولتی و شعب آن‌ها در کشور ارزیابی شود.

آمار قائم‌پناه چقدر مستند است؟

گذشته از رویکرد عجیب مقامات دولتی در جریان سفرهای استانی و پیگیری موضوعات انتخاباتی به جای شناخت و حل مشکلات اصلی مردم هر استان، نکته قابل توجه در این میان سابقه قائم‌پناه در بیان اینگونه آمارها است. معاون پرحاشیه پزشک‌ها اسفندماه سال ۱۴۰۳ براساس نتایج حاصل از یک نظرسنجی ادعایی، گفته بود که میزان امیدواری مردم نسبت به موفقیت دولت ۳۰ درصد و میزان محبوبیت رئیس دولت چهاردهم حدود ۷۳ درصد بوده‌است! قائم‌پناه البته بعد از کسور از بیان این سخنان، حرف خود را پس گرفت و مجبور به توضیح شد. با انتشار نتایج نظرسنجی مدنظر قائم‌پناه،



✓ جلیلی: تجمعات شبانه ظرفیت الگوشدن برای همه مردم جهان را دارد



سعید جلیلی، نماینده رهبر معظم انقلاب اسلامی در شورای عالی امنیت ملی، در دیدار با جمعی از فعالان میادین و تجمعات مردمی، با تأکید بر نقش وحدت حول ولایت فقیه در حفظ هویت و انسجام

کشور، گفت: «وحدت حول کلمه ولایت فقیه، عامل حفظ هویت و انسجام کشور است؛ اما امتداد حرکت مردم باید در تراز تمدنی و عرصه‌های مختلف از اقتصاد و هنر تا سیاست خارجی دنبال شود. سطح نقش آفرینی ملت ایران بالاتر از بازی‌های سیاسی روزمره است و نقد مسائل نیز باید با توجه به همین افق و تراز انجام شود.» وی با اشاره به حضور ۲۳۲ شبه مردم در میدان، اظهار داشت: «حضور ۲۳۲ شبه مردم در میدان، بدون سازمان‌دهی متمرکز، پدیده‌ای کم‌نظیر است؛ حرکتی که از یک اقدام سیاسی فراتر می‌رود و به واسطه پیوند با قدرت الهی، ظرفیت الگوشدن برای همه مردم را پیدا می‌کند.» نماینده رهبر انقلاب در

شورای عالی امنیت ملی با اشاره به بازتاب این حرکت در میان افرادی با گرایش‌های فرهنگی متفاوت، تأکید کرد: «آثار این حرکت را می‌توان در توجه و تحسین کسانی دید که از نظر فرهنگی فاصله زیادی با آن دارند.» جلیلی در ادامه، درباره راز ماندگاری پدیده میدان گفت: «پدیده میدان، برخاسته از یک فرهنگ عمیق دینی، قرآنی و تعالیم اهل بیت (ع) است؛ ریشه‌ای ۱۴۰۰ ساله که امروز در خیابان‌ها جاری شده است. همان گونه که عزاداری سیدالشهدا (ع) و راهپیمایی اربعین با تکیه بر حرکت خودجوش مردم استمرار یافته‌اند، دینی و مردمی بودن نیز راز پایداری و گسترش این پدیده است.»

گزارش نوبنیاد از موج نفوذ فعالان اغتشاشات دیماه به مراکز مختلف؛ از داوری جشنواره فیلم کوتاه تا جولان هتاکان در دانشگاه

صدای پای کودتا

تداوم انتصاب و حضور افراد دارای سوابق و مواضع ضدانقلاب در برخی نهاد‌های حاکمیتی، از دستگاه‌های اجرایی تا دانشگاه‌ها، بار دیگر مسئله نظارت بر صلاحیت مدیران و برخورد با عوامل ضدامنیتی را به کانون توجه بازگردانده است؛ از انتقاد محمدمنان رئیسی، نماینده قم، نسبت به این روند تا خوانشی حضور دانشجوی آتش‌زننده پرچم جمهوری اسلامی در دانشگاه امیرکبیر، نشانه‌هایی از خلا نظارتی و نبود اراده جدی برای مقابله با این رویه به چشم می‌خورد.

امین مهاجر

روزنامه‌نگار

روز گذشته، محمدمنان رئیسی، نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی، طی یادداشتی درقبال موج حضور روزافزون فعالان کودتا در نهاد‌های حاکمیتی و انتصاب و اشتغال افراد مسئله‌دار با سابقه ضد امنیتی در این نهادها، نوشت: «حجم گزارش‌هایی که درخصوص انتصاب و اشتغال افراد مسئله‌دار (اعم از مسائل مالی، سیاسی و امنیتی و حتی اخلاقی!) در نهاد‌های مختلف حاکمیتی به دستم می‌رسد بحدی است که به این باور رسیده‌ام که جمهوری اسلامی در آستانه یک پوست‌اندازی اساسی است.»

وی برای تشریح این وضعیت افزود: «به چند مثال عنایت بفرمایید: فلان فعال کودتای دی‌ماه عضو هیات‌دوران بهمان جشنواره مهم هنری تهران شد! فلان فعال فتنه‌زن زندگی مدیر بهمان هلدینگ مهم اقتصادی کشور شد! فلان شخصیتی که تا دیروز علیه رهبری و انقلاب مطلب می‌نوشت استاد بهمان دانشگاه مهم کشور شد!»

نماینده مردم قم در مجلس تصریح کرد: «اینها نمونه‌هایی است از انبوه مثال‌هایی که به جای فلان و بهمانش، اسامی واقعی وجود دارد که اگر بخواهم همه را با ذکر نام بیاورم، شرحش مثنی هفتاد من می‌شود!»

وی در ادامه، با انتقاد از این رویه، هشدار داد: «اینکه آستانه تحمل حاکمیت در قبال مفسدان اقتصادی، مرجفون سیاسی و حتی منحرفان اخلاقی تا این حد بالا رفته است که برخی مناصب مهم را رسماً تحویل این نحله می‌دهد، خبر از این دارد که جمهوری اسلامی در آستانه یک پوست‌اندازی قریب‌الوقوع است.» نماینده مردم قم در پایان، با ترسیم دو مسیر متفاوت برای آینده کشور، تصریح کرد: «نتیجه؟ تحولات به قدری سریع است که بعید می‌دانم تا تکمیل این فرآیند پوست‌اندازی، ایران معاصر به توازن برسد؛ در این فرآیند، یا شبکه اصلی انقلاب با یک چرخش اساسی و پوست‌اندازی سفید، جریان فاسدی که در حال تعمیق نفوذش در ارکان مختلف حاکمیت است را

در خودش هضم خواهد کرد و شاهد رویش جدیدی از ایران نوین خواهیم شد؛ و یا شاهد فراگیر شدن سلول‌های سرطانی این جریان نفوذ در بدنه جمهوری اسلامی و به تبعش، تکمیل کودتا و هضم نظام در هاضمه این نحله فاسد طی یک پوست‌اندازی سیاه خواهیم شد!»

بی‌اعتنایی مسئولان دانشگاه امیرکبیر از دستورات امنیتی

البته که ماجرا محدود به این موارد نیست و موضوع فراگیرتر از اینهاست. بویژه اینکه اخیراً تصاویری از حضور دانشجوی هتاک و آتش‌زننده پرچم مفس کشورمان در دانشگاه امیرکبیر منتشر شد. انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر در همین رابطه طی مطلبی اعلام کرد: «دانشگاه امیرکبیر از دستور وزارت علوم و وزارت کشور و نهاد‌های امنیتی سرپیچی کرده و دانشجوی ممنوع‌الورود به دانشگاه نه تنها در دانشگاه حضور پیدا کرده، بلکه در کلاس‌ها نیز شرکت کرده است.» این تشکل دانشجویی تأکید کرد که «این دانشجوی در جریان اغتشاشات اسفندماه گذشته، پرچم جمهوری اسلامی ایران را در وسط صحن دانشگاه به آتش کشیده بود.»

برای فهم ابعاد این مسئله در همکاری دانشگاه امیرکبیر با دانشجوی هتاک به پرچم که برای اولین بار در تاریخ در صحن دانشگاه‌های ایران صورت گرفت، باید توجه داشت این همکاری در حالی صورت گرفته است که چنین اقدامی با پروتکل‌های امنیتی مغایرت دارد. و این سوال و شائبه ایجاد می‌شود که پشت ریاست این دانشگاه به کجا گرم است که علی‌رغم تأکید نهاد‌های امنیتی و مشخص بودن وضعیت این دانشجوی خاطی با آن همکاری کرده است؟ به عبارت دیگر فراگیر شدن عناصر سابقه دار در بدنه‌های حاکمیتی تأثیرگذاری مثبتی بر رفتار سایر بدنه‌های حاکمیت به ویژه دانشگاه گذاشته است.

قابل ذکر است که اخیراً، همکاری و تدریس دو استاد ضدانقلاب و هتاک به رهبر شهید

انقلاب در دانشگاه تهران رسانه‌ای شده بود. که البته این موضوع با توجه به حجم بالای انتقادات و اعتراضات فعالان دانشجویی، سیاسی، رسانه‌ای به اقدام ریاست دانشگاه تهران و کم‌کاری وزارت علوم در این زمینه، نهایتاً به اخراج این دو استاد ضدانقلاب منتهی شد.

گفتنی است که پیش از این نیز، انتصاب نادره رضایی به عنوان «مشاور مسئولیت اجتماعی معاون توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری» در شرایطی که نامبرده دارای سوابق و مواضع بحث‌برانگیزی از جمله امضای نامه معروف حمایت از مجرمان سیاسی فتنه ۸۸ خطاب به اوپاما، عضویت در کمپین تحریم انتخابات، همکاری و مشاوره با مدیران متخلف و مفسدان اقتصادی نظیر رؤسای دستگیرشده سازمان هلال احمر و ایران خودرو در دولت روحانی، برخورداری و حمایت از فیش‌های حقوقی نجومی در دولت‌های اصلاح‌طلب و دولت چهاردهم در دوره معاونت هنری سیدعباس صالحی، حمایت تمام‌قد از فعالان هنجارشکن و دخالت مستقیم در برگزاری فستیوال‌های ضد اخلاقی نظیر دوسالانه سرامیک تهران، حمایت از پست‌های اینستاگرامی مرتبط با کنسرت نیمه‌برهنه و هتاکانه پرستو احمدی، رد صلاحیت در انتخابات شورای شهر تهران و حمایت از محاربین و اغتشاشگران دی‌ماه ۱۴۰۴ بوده، انتقادبرانگیز شده بود.

با این حال، موضوعی که حائز اهمیت و حاکی از یک بحران خاموش اما خطرناک است. مسئله عدم نظارت و نبود اراده جدی در برخورد قاطع و صریح با عوامل کودتا و ضدامنیتی است.



رهبر شهید: یک عده داخلی کودتای دی‌ماه را راه انداختند

رهبر شهید انقلاب اسلامی در بیانات ۱۲ بهمن‌ماه ۱۴۰۴: «یک خصوصیت دیگر اینکه این فتنه شبیه کودتا بود؛ یعنی چه کودتا بود؟ یعنی هدف تخریب، مراکز حساس و مؤثر در اداره کشور بود. به پلیس حمله کردند، به مراکز سپاه حمله کردند، به بعضی از مراکز دولتی حمله کردند، به بانک‌ها حمله کردند؛ این از جهت مادی، به مساجد حمله کردند، به قرآن حمله کردند؛ این هم از جهت معنوی. آنچه کشور را اداره می‌کند، اینهاست؛ به اینها حمله کردند. این شد کودتا.» (انقشه و طراحی این فتنه در خارج اتفاق افتاده بود، مربوط به داخل نبود، بله، یک عده داخلی این فتنه و اغتشاش را راه انداختند، لکن نقشه را در خارج کشیده بودند. از خارج دستور داده می‌شد؛ یعنی اینها با خارج تماس داشتند.)

خبر کوتاه

سپاه: دو نفتکش متخلف در تنگه هرمز متوقف شدند

روز گذشته، روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که دو فروند نفتکش متخلف در پی انفجار مین‌های دریایی در مسیر غیرقانونی جنوب تنگه هرمز به آتش کشیده و متوقف شده‌اند. در متن این اطلاعیه آمده است: «فرزندان رزمنده شما در نیروهای دریایی و هوافضای سپاه با رصد مستمر وضعیت منطقه، بر عهدی که با رهبری معظم انقلاب و شما مردم وفادار بسته‌اند، هستند و با اعمال حاکمیت و مدیریت بر تنگه هرمز گلولی گرگان جهان خوار را همچنان می‌فشارند.» همچنین در این اطلاعیه آمده است: «در این راستا، شب گذشته نیروهای قهرمان پدافند هوایی سپاه در مراقبت از وضعیت فضای تنگه هرمز، یک فروند پهپاد MQ9 ارتش متجاوز آمریکا را شناسایی و بلافاصله مورد اصابت قرار دادند که منهدم و سرنگون گردید.» علاوه بر این در این بیانیه آمده است: «همچنین با انفجار مین‌های کاشته شده توسط دریادلان نیروی دریایی سپاه در معبر غیرقانونی جنوب تنگه هرمز، دو فروند نفتکش متخلف به آتش کشیده شد و متوقف شدند.»

جوکار: تأخیر در معرفی وزیر اطلاعات موجب ایجاد حفره‌های امنیتی می‌شود

رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه تأخیر در معرفی وزیر پیشنهادی اطلاعات می‌تواند موجب ایجاد حفره‌های امنیتی در کشور شود، اظهار کرد: امیدواریم هرچه زودتر تکلیف وزیر اطلاعات مشخص شود؛ چرا که نقش مهمی در زمینه امنیت پایدار کشور دارد و مقابله با نفوذ و جاسوسی در شرایط فعلی بسیار حائز اهمیت است. محمد صالح جوکار با اشاره به رأی اعتماد قاطع نمایندگان به وزیر پیشنهادی دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، گفت: با توجه به اینکه آقای اخلاقی با رأی بالایی مورد اعتماد نمایندگان قرار گرفت، وظیفه سنگینی بر عهده دارد و با توجه به شرایط جنگی امروز، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح باید وظیفه خود را به خوبی انجام دهد و نیازهای روز نیروهای مسلح و همچنین نیروی انتظامی را بر عهده بگیرد که این کار آسانی نیست، به خصوص با بهره‌گیری از لبه فناوری‌های نوینی که مورد نیاز است. وی گفت: این یک بخش از کار است و بخش دیگر، ایجاد انگیزه در نیروهای مسلح است. به هر صورت، به هیچ عنوان نباید نیروهای مسلح در این عرصه احساس کنند که پشتیبانی نمی‌شوند و باید حقوق مکفی داشته باشند.

سختگوی وزارت کشور: انتخابات شوراها باید امسال برگزار شود

محسن اسلامی، سختگوی ستاد انتخابات کشور، با تأکید بر آمادگی وزارت کشور برای برگزاری هفتمین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا اعلام کرد که این انتخابات باید در سال ۱۴۰۵ برگزار شود؛ چراکه به دلیل برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال آینده و احتمال تجمع آن با انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۴۰۷، امکان برگزاری انتخابات شوراها در سال‌های آینده وجود نخواهد داشت. وی با اشاره به آمادگی زیرساخت‌های اجرایی و فنی انتخابات گفت: وزارت کشور برای برگزاری تمام الکترونیکی انتخابات شوراها برنامه‌ریزی کرده و با تولید دستگاه‌های جدید اخذ رأی، شمار این تجهیزات را به حدود ۱۲۲ هزار دستگاه رسانده است.

سقوط تولید خودرو و جهش قیمت‌ها از دی‌ماه ۱۴۰۴



در حالی که وزیرصنعت، معدن و تجارت بارها از برنامه‌ریزی برای افزایش تولید و رونق خطوط خودروسازی سخن گفته است، آمارهای تولید و وضعیت بازار خودرو از تداوم رکود در این صنعت و کاهش قدرت خرید مردم حکایت دارد. بررسی داده‌های سامانه کدال نشان می‌دهد تولید سه خودرو ساز بزرگ کشور در نیمه نخست امسال به حدود ۲۸۰ هزار دستگاه رسیده؛ رقمی که در مقایسه با ۴۲۷ هزار دستگاه مدت مشابه سال گذشته، نزدیک به ۳۵ درصد کاهش دارد. این افت تولید در شرایطی رخ داده که خودروسازان طی ماه‌های گذشته با استناد به افزایش هزینه‌های تولید، چند مرحله قیمت کارخانه‌ای محصولات خود را افزایش داده‌اند. با این حال، افزایش قیمت‌ها نتوانسته روند نزولی تولید را متوقف کند، بلکه بازار خودرو همچنان با

۵۰۰ میلیون تومان به حدود ۷ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان افزایش یافته است. این جهش‌ها پرسش مهمی درباره میزان اثرگذاری داخلی سازی بر کنترل قیمت‌ها ایجاد می‌کند. در شرایطی که ایران خودرو از داخلی سازی ۷۸ درصدی و سایپا از سهم ۸۱ درصدی قطعات داخلی سخن می‌گویند، وابستگی قیمت خودرو به نوسانات ارز همچنان پابرجاست. سعید موتمنی، رئیس سابق اتحادیه نمایشگاه‌داران خودرو، می‌گوید: در شرایط تورمی، مردم ارزش دارایی‌های خود را با ارز می‌سنجند و افزایش نرخ ارز بر قیمت کالاهای مختلف اثر می‌گذارد. محمد حسن صبوری، کارشناس اقتصادی، نیز افزایش هزینه خرید قطعات و مواد اولیه در پی رشد نرخ ارز را از عوامل افزایش قیمت کارخانه‌ای خودرو می‌داند، اما راهکار پایدار مهار این روند را شکل‌گیری بازار رقابتی عنوان می‌کند.

کارشناسان بر ضرورت کنترل نقدینگی، اصلاح بودجه و ثبات بازار ارز تأکید کردند؛

برنامه دولت برای مهار گرانی کجاست؟

نرخ تورم شهریور امسال، تصویری نگران‌کننده از وضعیت معیشت خانوارها ترسیم کرده است؛ تورم سالانه به ۷۳.۶ درصد و تورم نقطه‌به‌نقطه به ۸۹.۸ درصد رسیده است. در شرایطی که افزایش قیمت‌ها قدرت خرید حقوق‌بگیران و اقشار کم‌درآمد را تحت فشار قرار داده، کارشناسان و نمایندگان مجلس بر ضرورت کنترل نقدینگی، اصلاح بودجه و ثبات بازار ارز تأکید دارند اما برنامه دولت چهاردهم برای مهار تورم، کنترل عوامل ایجادکننده آن و جلوگیری از کوچک‌تر شدن سفره مردم همچنان در ابهام قرار دارد و در شرایطی که کشور در جنگ تمام عیار اقتصادی قرار دارد، به نظرمی‌رسد پاس‌تور برنامه‌ای برای تورم ندارد.

میان بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و دستگاه‌های نظارتی، بیان کرد: ثبات بازار ارز به تصمیم‌های هماهنگ، مسئولیت‌پذیری مشترک و اقدام عملی نیاز دارد. از این منظر، سیاست ارزی زمانی می‌تواند به مهار تورم کمک کند که از تصمیم‌های مقطعی فراقدرت‌گیر و با سیاست‌های تجاری، پولی و مالی هم‌جهت شود.

رشد نقدینگی و کسری بودجه باید مهار شود

مهرداد لاهوتی، عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس، نیز با اشاره به هدف‌گذاری قانون برنامه هفتم برای تک‌رقمی شدن تورم، تأکید کرد: شرایط جنگی بروضعیت اقتصادی کشور تأثیرگذار است، اما نباید همه مسائل و مشکلات را صرفاً به جنگ مرتبط دانست؛ چراکه برای مهار تورم، راهکارهای مشخصی در قانون پیش‌بینی شده است. او گفت: زمانی که قانون برنامه هفتم را بررسی می‌کردیم، رشد نقدینگی حدود ۲۴ درصد بود و هدف‌گذاری شده بود که این رقم طی ۵ سال به ۱۳.۸ درصد کاهش یابد، با این حال، اکنون رشد نقدینگی به حدود ۵۰ درصد رسیده است. لاهوتی ادامه داد: نکته دوم، کسری بودجه دولت‌هاست که به خودی‌خود یکی از عوامل تورم محسوب می‌شود. متأسفانه دولت‌ها در شرایطی قرار گرفته‌اند که با افزایش تورم، بخشی از درآمدهایشان نیز افزایش پیدا می‌کند و این مسئله می‌تواند زمینه تداوم مشکلات را فراهم کند.

او با اشاره به افزایش درآمدهای مالیاتی در اثر رشد قیمت‌ها و افزایش نرخ ارز، بر ضرورت اصلاح ساختار هزینه‌های دولت و کاهش وابستگی به منابع بانک مرکزی تأکید کرد. لاهوتی همچنین بر ضرورت حمایت از حقوق‌بگیران و افراد دارای درآمد ثابت تأکید کرد و گفت: افرادی که درآمد ثابتی دارند، باید متناسب با نرخ تورم مورد حمایت قرار گیرند تا قدرت خرید آن‌ها بیش از این کاهش پیدا نکند.

دولت چهاردهم برای پاسخ‌گویی به نگرانی‌های معیشتی مردم، نیازمند برنامه‌ای روشن، زمان‌بندی شده و قابل‌ارزیابی است؛ برنامه‌ای که در آن اهداف کنترل تورم، نحوه مدیریت کسری بودجه، مسیر اصلاح بانک‌های ناتراز، سازوکار ثبات بازار ارز و شیوه حمایت از اقشار آسیب‌پذیر مشخص باشد. وقتی تورم نقطه‌به‌نقطه به ۸۹.۸ درصد رسیده و تورم سالانه از ۷۰ درصد عبور کرده است، مسئله دیگر صرفاً یک شاخص آماری نیست؛ موضوع، قدرت خرید، پرداخت اجاره بها، تأمین هزینه درمان و امکان برنامه‌ریزی برای آینده خانواده‌هاست. در چنین شرایطی، انتظار می‌رود دولت به جای انکاب به وعده‌های کلی یا بهانه‌گیری به دلیل شرایط جنگی، نتایج سیاست‌های خود را با شاخص‌های روشن طی دو سال گذشته بررسی کند و مسئولیت تصمیم‌های تورم‌زا را نیز بپذیرد.



نیما سهیلی

روزنامه نگار

گزارش مرکز آمار ایران از تورم در شهریورماه، از تداوم فشار تورمی بر خانوارها حکایت دارد. براساس این گزارش، تورم سالانه منتهی به پایان شهریور امسال به ۷۳.۶ درصد و تورم نقطه‌به‌نقطه به ۸۹.۸ درصد رسیده است. این ارقام به معنای آن است که خانوارها برای خرید مجموعه مشابهی از کالاهای و خدمات، به‌طور متوسط باید نزدیک به ۹۰ درصد بیشتر از شهریور سال گذشته هزینه پرداخت کرده‌اند. اگر هزینه خرید خانوار در شهریور سال گذشته ۱۰ میلیون تومان بود، امسال به حدود ۱۹ میلیون تومان نیاز دارد. در میان گروه‌های اصلی مصرفی، وضعیت خوراکی‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. تورم نقطه‌ای گروه خوراکی‌ها به ۱۲۱.۸ درصد رسیده است. اهمیت این وضعیت زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم خوراکی‌ها سهم بیشتری از مخارج دهک‌های کم‌درآمد را به خود اختصاص می‌دهند. براساس داده‌های مرکز آمار، سهم خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات در سبد هزینه دهک اول ۴۲.۴ درصد و در دهک دوم ۴۲.۳ درصد است؛ در حالی که این سهم برای دهک دهم ۲۱.۶ درصد است. بنابراین، افزایش قیمت مواد غذایی فشار زیادی به خانوارهای کم‌درآمد وارد می‌کند.

هزینه ناترازی‌ها از سفره مردم پرداخت می‌شود

بابک نگاهداری، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس می‌گوید: تورم از این جهت اهمیت بسیاری دارد که زندگی روزمره مردم را مستقیماً تحت تأثیر قرار می‌دهد. مردم احساس می‌کنند با درآمدی که دارند، هر روز کالاهای کمتری می‌توانند خریداری کنند و به تعبیری، سفره زندگی‌شان روز به روز کوچک‌تر می‌شود. همچنین، امکان برنامه‌ریزی برای زندگی و آینده فرزندان، از جمله ازدواج آنان، دشوارتر می‌شود. تولیدکننده نیز با عدم اطمینان روبه‌روست؛ زیرا نمی‌داند مواد اولیه کالایی را که امروز می‌فروشد، یک ماه بعد با چه قیمتی می‌تواند تهیه کند. بازنشسته نیز نمی‌داند حقوقش تا پایان ماه یا سه‌گونی هزینه‌های زندگی خواهد بود یا افزایش قیمت‌ها، تعادل زندگی او را برهم خواهد زد و هزینه‌هایش از درآمدش پیشی خواهد گرفت. او افزود: برای تورم نباید تنها به دنبال یک علت بود؛ زیرا این پدیده علل مختلفی دارد. بخشی از آن به عملکرد بانک‌هایی بازمی‌گردد که تعهدات بدون پشتوانه ایجاد می‌کنند و به دلیل ناترازی، قادر به ایفای تعهدات خود نیستند. بخش دیگری به دولت‌ها مربوط است که هزینه‌هایش از منابع درآمدی پایداریش فراتر می‌رود؛ هزینه‌هایی که می‌توان آن‌ها را کاهش داد و مدیریت کرد.

گرانی و فاصله‌فراينده میان قیمت‌ها و توان خرید خانوارها مواجه است.

گزارش پژوهشکده پولی و بانکی نیز از آغاز روند نزولی تولید از دی‌ماه سال گذشته حکایت دارد؛ به‌طوری‌که رشد ماهانه تولید در آن ماه به منفی ۱۱.۳ درصد رسید و در اسفندماه به منفی ۶۴.۶ درصد سقوط کرد. این روند پس از جنگ نیز ادامه یافت و رشد تولید در مرداد و شهریور امسال به ترتیب منفی ۴۱.۷ و منفی ۳۷.۴ درصد ثبت شد. تولید ایران خودرو نیز از حدود ۲۴۲ هزار دستگاه در سال گذشته به ۲۰۴ هزار دستگاه کاهش یافته است. همزمان با افت تولید، قیمت خودرو در بازار نیز جهشی قابل توجه را تجربه کرده است. دنا اتوماتیک که پاییز سال گذشته حدود یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان قیمت داشت، اکنون به حدود ۴ میلیارد تومان رسیده است. قیمت لاماری نیز از ۲ میلیارد و

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصادی، تغییر مداوم مقررات و نوسانات بازار ارز را از عوامل مؤثر بر تورم دانست و تأکید کرد: مجموعه این عوامل بر یکدیگر انباشته می‌شوند و هزینه نهایی آن‌ها به زندگی مردم منتقل می‌شود. نگاهداری درباره ضرورت اصلاح ریشه‌های تورم تصریح کرد: راه حل نیز در اصلاح همین ریشه‌هاست. گاهی بدون توجه به علل اصلی تورم، تلاش می‌کنیم با نشانه‌های آن مقابله کنیم؛ برای مثال، به قیمت‌گذاری روی می‌آوریم. این اقدام ممکن است در کوتاه مدت تأثیری بر کنترل قیمت‌ها داشته باشد، اما تا زمانی که ریشه‌های ایجاد تورم تمرکز نکنیم و آن‌ها را برطرف نسازیم، حتی ممکن است مسئله پیچیده‌تر شود. او با اشاره به ضرورت اصلاح ساختار هزینه‌های دولت، کنترل تعهدات بدون پشتوانه بانک‌ها و ثبات بخشی به سیاست‌های اقتصادی، تأکید کرد که اصلاحات باید به گونه‌ای پیش برود که فشار اصلی مهار تورم مستقیماً بر دوش مردم قرار نگیرد. رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس گفت: باید پذیرفت که مهار تورم هزینه دارد. لازم است برخی امتیازهای ویژه حذف شوند، معافیت‌های مالیاتی بی‌ضابطه مورد بازنگری قرار گیرند و ساختارهای ناکارآمد اصلاح شوند. دستگاه‌های عریض و طولی که منابع مصرف می‌کنند، اما عملکرد مشخص و شفافیتی ارائه نمی‌دهند، باید سامان یابند. این اصلاحات ممکن است نارضایتی‌هایی ایجاد کنند، اما نباید مهار تورم را با تحمیل مستقیم هزینه‌ها بر معیشت مردم آغاز کرد. نگاهداری تأکید کرد: واقعیت این است که تورم در یک روز مهار نمی‌شود، اما دولت می‌تواند از همان ماه نخست تصمیم‌گیری، سیاست‌ها و تصمیمات تورم‌زای خود را متوقف کند و سپس، با اجرای برنامه‌ای چندساله، به تدریج در مسیر رفع ریشه‌ای تورم در کشور گام بردارد.

نبود اراده در دولت برای مدیریت بازار ارز

مصطفی مطورزاده، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، با تأکید بر اینکه خلأ قانونی برای مهار نرخ ارز وجود ندارد، گفت: آنچه امروز بیش از هر چیز در بازار ارز احساس می‌شود، نبود اراده جدی در بدنه دولت برای اجرای قوانین موجود است. او با اشاره به قوانین مصوب در زمینه مدیریت بازار ارز و مقابله با سوداگری، تأکید کرد: دولت و بانک مرکزی اختیارات لازم را در اختیار دارند و مسئله اصلی را باید در نحوه اجرا و هماهنگی دستگاه‌های مسئول جست‌وجو کرد. مطورزاده تصریح کرد: تجربه نشان داده هر زمان دولت با اراده واقعی وارد میدان شده، توانسته نرخ ارز را کنترل کند، اما وقتی مدیریت بازار به اظهارنظرهای روزمره و وعده‌های بدون پشتوانه محدود می‌شود، طبیعتاً نتیجه مطلوب حاصل نمی‌شود. این نماینده مجلس با اشاره به ضرورت هماهنگی

موج خبر

جنگ ایران؛ مخمصه تورمی ترامپ در آستانه انتخابات

نشریه آمریکایی بیزینس اینسایدر در گزارشی نوشت: ادامه جنگ ایران و اختلال در بازار جهانی انرژی، به بحرانی اقتصادی برای دونالد ترامپ تبدیل شده است؛ بحرانی که در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، وعده‌های او برای کاهش هزینه‌های زندگی را با چالش جدی روبه‌رو می‌کند. براساس گزارش بیزینس اینسایدر، جنگ ایران، هزینه انرژی در آمریکا را افزایش داده است. قیمت بنزین در جایگاه‌های سوخت همچنان بالاتر از ۴ دلار به ازای هر گالون قرار دارد و قیمت گازوئیل نیز به حدود ۶.۱۸ دلار رسیده است. در کالیفرنیا، قیمت گازوئیل از ۸ دلار در هر گالون فراتر رفته است. این افزایش قیمت‌ها به تدریج از بازار انرژی به سایر بخش‌های اقتصاد آمریکا سرایت کرده است. شاخص قیمت مصرف‌کننده در سپتامبر نسبت به ماه مشابه سال قبل ۳.۷ درصد افزایش یافت. در همین مدت، قیمت انرژی ۲۰.۴ درصد و قیمت بنزین ۳۴.۲ درصد رشد کرد. این روند، هزینه رفت‌وآمد و حمل‌ونقل را افزایش داده و فشار بیشتری بر بودجه خانوارها وارد کرده است.

پیامدهای جنگ تنها به قیمت سوخت محدود نمانده است. براساس این گزارش، فدرال رزرو آمریکا در سپتامبر، برای نخستین بار طی سه سال گذشته، نرخ بهره را افزایش داد تا با فشارهای تورمی مقابله کند. همزمان، بازده اوراق قرضه ۱۰ساله خزانه‌داری آمریکا در مقطعی به ۳.۱ درصد رسید و نرخ وام مسکن ۳۰ساله نیز به حدود ۷.۵ درصد افزایش یافت. این تحولات هزینه تأمین مالی خرید مسکن، خودرو و سایر مخارج اعتباری را بالا می‌برد. بیزینس اینسایدر همچنین گزارش داد که رشد دستمزدها نتوانسته همگام با افزایش هزینه‌های زندگی پیش برود. در نتیجه، قدرت خرید واقعی آمریکایی‌ها کاهش یافته و بخش مهمی از افزایش درآمد آنان عملاً با گرانی سوخت و سایر کالاهای خنثی شده است.

دولت ترامپ مدعی شد برای کاهش فشار بر بازار انرژی اقدام می‌کند و جریان انتقال نفت از تنگه هرمز در حال نزدیک شدن به سطح پیش از جنگ است. با این حال، حملات به نفتکش‌ها و احتمال تشدید عملیات نظامی، چشم‌انداز کاهش پایدار قیمت‌ها را مبهم کرده است. این شرایط در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای سوم نوامبر، اهمیت سیاسی ویژه‌ای پیدا کرده است. ترامپ با وعده کاهش هزینه‌های زندگی به قدرت بازگشت، اما افزایش تورم و هزینه انرژی اکنون به یکی از چالش‌های مهم دولت او تبدیل شده است. تداوم گرانی سوخت و فشار تورمی بر خانوارها می‌تواند نارضایتی از وضعیت اقتصادی را تشدید کند؛ به‌ویژه اگر جنگ ادامه یابد و کاهش محسوس قیمت‌ها در جایگاه‌های سوخت رخ ندهد.

بررسی صورت‌های مالی شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی نشان می‌دهد؛

بحران مدیریت در شستا با سقوط سودآوری

شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) به عنوان یکی از بزرگ‌ترین هلدینگ‌های چندرشته‌ای ایران و بازوی اقتصادی سازمان تأمین اجتماعی، نقشی حیاتی در حفظ و تقویت منابع بازنشستگان و بیمه‌شدگان ایفا می‌کند. با این حال، بررسی صورت‌های مالی این شرکت، تصویری

نگران‌کننده از عملکرد مدیریتی و ساختار مالی آن طی دو سال اخیر نشان می‌دهد؛ تصویری که در آن، رشد اسمی اعداد و ارقام نتوانسته است ذره‌ای از عمق بحران واقعی در این مجموعه بکاهد و ضرورت بازنگری جدی در مدیریت دارایی‌ها و هزینه‌ها را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

وضعیت حاشیه سود خالص و عملیاتی گروه شستا از سال مالی منتهی به

خرداد ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۵ (درصد)



هادی مولایی

روزنامه‌نگار

منابع شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی با بخش عمده‌ای از حق بیمه پرداختی کارگران در طول سال‌های اشتغال تأمین شده است. از این منظر، دارایی‌های شستا پشتوانه اقتصادی میلیون‌ها کارگر بیمه‌شده و بازنشسته کشور به شمار می‌رود؛ افرادی که حق بیمه‌های پرداختی آنان برای تأمین امنیت دوران بازنشستگی و حمایت‌های بیمه‌ای هزینه می‌شود. به همین دلیل، عملکرد مالی، سودآوری و نحوه مدیریت این مجموعه، فراتر از یک بنگاه اقتصادی معمولی، با منافع و آینده معیشتی جامعه کارگری و بازنشستگان ارتباط مستقیم دارد. با این حال، درآمد‌های عملیاتی شستاد سال مالی منتهی به خرداد ۱۴۰۵ با رشدی ۱۸ درصدی نسبت به سال قبل، از ۳۵ هزار ۶۱۲ میلیارد تومان به ۴۱ هزار و ۹۱۴ میلیارد تومان رسیده است. در نگاه اول، این رشد ۱۸ درصدی ممکن است مثبت تلقی شود، اما هنگامی که آن را در کنار نرخ تورم ۶۲.۴ درصدی قرار می‌دهیم، عمق فاجعه آشکار می‌شود؛ این بدان معناست که رشد واقعی درآمد‌های شرکت به شدت منفی بوده و سودآوری شستاد در بازار امروز، به شکل چشمگیری کاهش یافته است. این موضوع نشان می‌دهد که شستاد در حفظ ارزش دارایی‌ها و درآمد‌های خود در برابر تورم افسارگسیخته، عملکرد ناموفقی داشته است.

سقوط آزاد حاشیه سود به ۱۱.۳ درصد

نمودار ارائه‌شده در گزارش هیئت‌مدیره این شرکت، به وضوح سیر نزولی حاشیه سود را به تصویر می‌کشد. حاشیه سود عملیاتی که در سال مالی ۱۴۰۲ حدود ۲۴.۸ درصد بود، در سال مالی ۱۴۰۵ به ۱۱.۳ درصد سقوط کرده است. همچنین، حاشیه سود خالص از ۱۹.۹ درصد در سال ۱۴۰۱ به ۹.۲ درصد در سال ۱۴۰۵ رسیده است. این افت شدید در حاشیه سود خالص، نشان‌دهنده کاهش چشمگیر کارایی و سودآوری شستا است. هرچند سود عملیاتی شستا با رشد ۱۸ درصدی نسبت به سال قبل مواجه شده، اما این رشد در برابر تورم ۶۲ درصدی، نه

تنها دستاورد قابل‌قبولی نیست، بلکه نشان‌دهنده عقب‌ماندگی شدید از شاخص‌های کلان اقتصادی کشور است. حتی در سود خالص، که شاهد رشدی ۱۲ درصدی است، باز هم رقم یادشده در برابر تورم ۶۲ درصدی به معنای کاهش شدید قدرت واقعی سودآوری است. این ارقام گویای آن است که مدیریت فعلی شستاد قادر به خلق ارزش واقعی برای سهامداران اصلی آن، یعنی بازنشستگان و کارگران، نیست. یکی از اساسی‌ترین نقدها به ساختار درآمدی شستا، عملکرد شرکت‌های زیرمجموعه است. طبق گزارش هیئت‌مدیره، شرکت سرمایه‌گذاری نفت، گاز و پتروشیمی تأمین اجتماعی (تاپیکو) با ۲۲.۱ هزار میلیارد تومان (معادل ۵۳ درصد از درآمد سود سهام شرکت شستا) و سی‌مان تأمین با ۸.۱ هزار میلیارد تومان، بخش عمده‌ای از این درآمد را تأمین کرده‌اند. در مقابل، سود دریافتی از سایر شرکت‌ها از ۱۶.۸ هزار میلیارد تومان به ۱۱.۶ هزار میلیارد تومان کاهش یافته است. این افت، حتی پیش از محاسبه اثر تورم نیز نگران‌کننده است. کاهش شدید سود دریافتی از شرکت‌های مهمی نظیر صدر تأمین (از ۲.۴ همت به ۱ همت)، کشتیرانی (از ۳ همت به ۱.۱ همت) و ملی نفت کش (از ۴.۵ همت به ۱.۱ همت)، نشان می‌دهد که پرتفوی متنوع شستا آن‌گونه که باید نتوانسته است درآمد پایدار و سود متوازنی ایجاد کند. این تمرکز، ریسک شرکت را به شدت افزایش می‌دهد؛ چرا که هرگونه افت عملکرد در دو یا سه شرکت زیرمجموعه، می‌تواند کل درآمد هلدینگ را با بحران جدی مواجه کند.

افزایش ۲۷۰۰ نفری تعداد شاغلان شستا

در بخش هزینه‌ها، آمارها حاکی از افزایش نگران‌کننده سهم حقوق و دستمزد از کل هزینه‌های عملیاتی شرکت است. هزینه حقوق و دستمزد از ۱۱۷.۹ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۳ به ۳۱۷.۵ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۵ رسیده است؛ به این معنا که سهم حقوق و دستمزد از کل هزینه‌های عملیاتی از ۳۷ درصد به ۸۰ درصد افزایش یافته است. این رشد چشمگیر در شرایطی رخ می‌دهد که سودآوری واقعی شرکت در حال افت است و حاشیه سود خالص به کمتر از ۱۰ درصد

عملکردی به زیان بازنشستگان و کارگران

نقد صریح به عملکرد شستا، تأکیدی است بر ضرورت تغییر رویکرد مدیریتی که به سرمایه بازنشستگان و بیمه‌پردازان آسیب رسانده است. مدیریت شستا باید با ارائه برنامه‌ای شفاف برای کاهش وابستگی به چند شرکت خاص، بهبود حاشیه سود، کنترل هزینه‌های پرسنلی و افزایش شفافیت مالی، اعتماد عمومی را بازگرداند. در غیر این صورت، تداوم این روند نه تنها به زیان بازنشستگان خواهد بود، بلکه اعتبار نظام اقتصادی کشور را نیز خدشه‌دار خواهد کرد. امروز بیش از هر زمان دیگری، شستا به مدیریت کارآمد، شفاف و پاسخگو نیاز دارد تا بتواند از منابع ملی و بازنشستگی صیانت کند و در مسیر ایجاد ارزش واقعی برای ذی‌نفعان خود گام بردارد.

عقب‌نشینی شاخص بورس از اوج روزانه با فشار فروشندگان

بازار سهام در معاملات دیروز (سه‌شنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۵) با قدرت‌نمایی خریداران آغاز شد، اما افزایش عرضه‌ها در ادامه معاملات، بخش عمده رشد اولیه شاخص کل بورس را از بین برد. با وجود این عقب‌نشینی، ورود پول حقیقی به سهام و برتری تعداد نمادهای مثبت نشان داد که تقاضا همچنان در بخش‌هایی از بازار فعال است؛ هرچند قدرت فروشندگان در جریان معاملات، مانع از تداوم رشد پرشتاب شاخص کل شد. معاملات روز گذشته با سبزی‌های حدود ۸۹ درصد نمادها آغاز شد. در ابتدای بازار، ارزش سفارش‌های خرید به حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان رسید، در حالی که ارزش سفارش‌های فروش تنها حدود یک هزار میلیارد تومان بود. همچنین در نخستین ساعت معاملات، حدود ۱۸۰۰ میلیارد تومان نقدینگی از سوی سرمایه‌گذاران حقیقی وارد بازار شد.

با این حال، افزایش عرضه‌ها در ادامه معاملات موجب شد بخش مهمی از رشد اولیه شاخص کل از دست برود. در پایان معاملات، حدود ۷۱ درصد نمادها در محدوده مثبت قرار داشتند و ارزش سفارش‌های خرید و فروش به ترتیب به حدود ۱۶.۵ و ۲۰.۸ هزار میلیارد تومان رسید. ارزش معاملات خرد سهام و صندوق‌های سهامی به ۴۳ هزار و ۳۷۴ میلیارد تومان رسید. مجموع ارزش معاملات بورس و فرابورس نیز در محدوده ۱۵۷ هزار میلیارد تومان قرار گرفت و ارزش کل بازارهای سهام ایران، ۲۸ هزار و ۵۱۶ همت ثبت شد. در پایان معاملات ۴۵۹ میلیارد تومان پول حقیقی وارد سهام و صندوق‌های سهامی شد. این در حالی بود که صندوق‌های درآمد ثابت با خروج ۴۲۳۳ میلیارد تومان نقدینگی مواجه شدند. بنابراین، با وجود خروج سنگین پول از صندوق‌های درآمد ثابت، میزان ورود نقدینگی به سهام در مقایسه با ارزش معاملات خرد محدود بود.

هم‌وزن و فرابورس جلوتر از شاخص کل

شاخص کل بورس تهران در پایان معاملات با رشد ۱۸ هزار و ۴۴۴ واحدی، (۰.۲۲ درصد) به سطح ۸ میلیون و ۲۷۲ هزار و ۲۶۶ واحد رسید. این شاخص در درقایق ابتدایی معاملات بیش از ۱۳۰ هزار واحد افزایش یافته بود، اما فشار فروش در ادامه بازار، بخش عمده رشد آن را پس گرفت. در مقابل، شاخص کل هم‌وزن با افزایش ۲۸ هزار و ۵۴۷ واحدی، (۱.۲۸ درصد) به ۲ میلیون و ۲۵۱ هزار و ۳۲۰ واحد رسید. شاخص کل فرابورس نیز با رشد ۹۲۲ واحدی (۱.۴۱ درصد)، در سطح ۶۷ هزار و ۱۹۰ واحد ایستاد. عملکرد بهتر شاخص هم‌وزن در مقایسه با شاخص کل نشان می‌دهد که شرکت‌های کوچک و متوسط در مجموع وضعیت مطلوب‌تری نسبت به برخی نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز داشتند. براساس داده‌های سازمان بورس، شاخص ۲۹ صنعت از مجموع ۴۱ صنعت فعال بورس تهران افزایش یافت و میانگین تغییرات شاخص صنایع به ۰.۶۲ درصد رسید. همچنین شاخص ۹ صنعت مثبت بیش از ۲ درصد رشد کرد و ۸ صنعت توانستند سقف‌های پیشین خود را پشت سر بگذارند و سطوح تاریخی تازه‌ای ثبت کنند.

رفتار دیروز بازار دو پیام متفاوت داشت؛ از یک سو، برتری نمادهای مثبت، تعدد صف‌های خرید و ورود پول حقیقی از تداوم تقاضا حکایت می‌کند؛ از سوی دیگر، عقب‌نشینی شاخص کل بورس از رشد بیش از ۱۳۰ هزار واحدی و منفی بودن قدرت خرید حقیقی‌ها، از فعال بودن عرضه‌ها در سطوح بالاتر حکایت دارد. سرانه خرید حقیقی‌ها حدود ۸۷ میلیون تومان و سرانه فروش حدود ۱۱۰ میلیون تومان بود؛ موضوعی که نشان می‌دهد میانگین فروش هر معامله از میانگین خرید بیشتر بوده است. قدرت خرید منفی ۱.۲۷ نیز بر برتری نسبی فروشندگان را نشان می‌دهد. بر این اساس، برای معاملات امروز نمی‌توان صرفاً با اتکا به ورود پول حقیقی یا تعداد بالای نمادهای مثبت، تداوم روند صعودی شاخص کل را قطعی دانست. در صورت حفظ برتری تقاضا و کاهش فشار فروش، امکان ادامه حرکت مثبت بازار وجود دارد؛ اما اگر عرضه‌ها تشدید شود، احتمال تداوم نوسان وجود دارد.

یادداشت

ترامپ وزلنسکی
در مسیر تقابلمحسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

اختلافات ترامپ و زلنسکی وارد مرحله تازه‌ای شده است. مرحله‌ای که در آن، نه تنها حمایت نظامی واشنگتن از کی‌یف با تردید و تأخیر مواجه شده، بلکه رئیس‌جمهور آمریکا آشکارا رهبر اوکراین را مانع توافق معرفی می‌کند و هم‌زمان برای عادی‌سازی روابط با مسکو خیز برداشته است. تحولات اخیر، تصویری روشن از سیاست خارجی ترامپ به نمایش می‌گذارد. سیاستی که با وعده پایان سریع جنگ‌ها آغاز می‌شود، اما در مواجهه با واقعیت‌های میدانی، به چرخش‌های پرهزینه و اختلاف با متحدان می‌رسد.

روزنامه واشنگتن پست در گزارشی نوشت که دولت ترامپ هنوز انتقال موشک‌های رهگیر پاتریوت به اوکراین را تأیید نکرده است. موشک‌هایی که برای مقابله با حملات موشکی و پهپادی روسیه اهمیت حیاتی دارند. این تأخیر در شرایطی رخ داده که روابط ترامپ و زلنسکی رو به وخامت گذاشته و رئیس‌جمهور آمریکا در هفته‌های اخیر مواضعی نزدیک‌تر به مسکو اتخاذ کرده است. رویترز نیز در گزارشی خود از تلاش زلنسکی برای ترمیم روابط با واشنگتن خبر داد. رئیس‌جمهور اوکراین قرار است در اسلو با استیو ویتکاف، فرستاده ویژه ترامپ، دیدار کند. دیداری که در سایه اختلافات فزاینده بر سر تسلیحات، اطلاعات نظامی و چگونگی پایان جنگ برگزار می‌شود. ترامپ در تازه‌ترین موضع‌گیری خود مدعی شده است که روسیه، به اصطلاح، در قبال اوکراین خوب عمل کرده و زلنسکی نیز با اقداماتش به حل بحران کمکی نمی‌کند. او حتی خواستار انتخاب فرد دیگری برای مذاکره شده است. موضعی که نشان می‌دهد کاخ سفید به جای تمرکز بر فشار بر طرف آغازکننده جنگ، بیش از گذشته کی‌یف را برای پذیرش توافق تحت فشار قرار می‌دهد. روزنامه نیویورک تایمز نیز در گزارشی، روند چرخش سیاست ترامپ به سمت عادی‌سازی روابط با روسیه را بررسی کرده است. براساس این گزارش، ترامپ در هفته‌های اخیر از کاهش فشار تحریمی بر مسکو حمایت کرده، به توافق‌هایی در حوزه انرژی نزدیک شده و زلنسکی را به عنوان مانع اصلی صلح معرفی کرده است.

این تغییر رویکرد، پرسشی جدی را پیش می‌کشد که چگونه دولتی که سال‌ها از ضرورت دفاع از اوکراین سخن می‌گفت، اکنون برای نزدیک شدن به روسیه، همان متحد پیشین خود را تحت فشار می‌گذارد؟ پاسخ را باید در فاصله میان شعارهای انتخاباتی ترامپ و محاسبات واقعی دولت او جست‌وجو کرد. وعده پایان سریع جنگ، زمانی که با واقعیت‌های پیچیده میدان نبرد برخورد می‌کند، به جای یک پیروزی روشن، به تلاش برای یافتن توافقی کم‌هزینه‌تر برای واشنگتن تبدیل می‌شود. در این میان، ملاحظات اقتصادی و سیاسی داخلی آمریکا نیز اهمیت دارد. ترامپ کاهش فشار بر بازار سوخت را از دلایل تصمیم‌های خود درباره تحریم‌های روسیه عنوان کرده است. آن هم در شرایطی که افزایش هزینه‌های انرژی می‌تواند برای جمهوری خواهان در آستانه انتخابات میان دوره‌ای کنگره هزینه سیاسی داشته باشد. به این ترتیب، جنگ اوکراین بیش از گذشته با محاسبات اقتصادی و انتخاباتی کاخ سفید گره خورده است. واقعیت آن است که رئیس‌جمهور آمریکا اکنون با مسئله‌ای فزاینده اختلاف با زلنسکی روبه‌روست. چگونه می‌توان جنگی را که پایان سریع آن وعده داده شده، بدون پذیرش هزینه‌های سنگین تر به پایان رساند؟ فشار بر کی‌یف شاید مسیر توافقی را هموار کند، اما لزوماً به معنای صلحی پایدار نیست. تجربه تحولات اخیر بار دیگر نشان می‌دهد که در سیاست قدرت‌های بزرگ، وعده‌های حمایت تا زمانی اعتبار دارند که با محاسبات سیاسی و اقتصادی آنها تعارض پیدا نکنند. اوکراین امروز با همین واقعیت مواجه است؛ واقعیتی که می‌تواند برای دیگر متحدان واشنگتن نیز هشداری جدی باشد.

احسان میرباقری
روزنامه‌نگاراقتصاد
ایران گروگان

اگر بخشی از تجارت خارجی، دسترسی ارزی و مبادلات مالی کشور به کانال‌هایی همچون امارات گره بخورد که در معرض نفوذ یا فشار بازیگران متخاصم قرار دارند، همان پیوندهای اقتصادی می‌توانند در زمان بحران به ابزار فشار تبدیل شوند. از این منظر، باید متنوع‌سازی مسیرهای تجاری، تقویت سازوکارهای مستقل تسویه مالی و کاهش آسیب‌پذیری در برابر تصمیم‌های سیاسی شرکای خارجی در دستور کار قرار گیرد. هیچ امتیاز تاکتیکی کوتاه‌مدتی نباید جایگزین یک راهبرد پایدار برای استقلال اقتصادی شود. اگر رفت‌وآمدهای دیپلماتیک و پروازی میان تهران و ابوظبی به کاهش تنش کمک کند، می‌توان آن را در چارچوب مدیریت بحران ارزیابی کرد اما اگر این روابط به امید دریافت امتیازهای مقطعی، به نادیده گرفتن مخاطرات بلندمدت یا بازتولید وابستگی‌های پرهزینه منجر شود، حاصل آن چیزی جز تضعیف قدرت چانه‌زنی کشور نخواهد بود.

نتانیاهو از آرایش تازه متحدان تل‌آویو در منطقه رونمایی کرد

پایان خوش خیالی
به ابوظبی و باکو

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر جنایتکار رژیم صهیونیستی، در سخنرانی امنیتی تازه خود، نقشه‌ای از خاورمیانه را به نمایش گذاشت که بیش از آنکه صرفاً تصویری از مناسبات منطقه‌ای باشد، بازتابی از نگاه تل‌آویو به دوستان، رقبای و میدان‌های نفوذ در منطقه است. نقشه‌ای که در آن، کشورهای به‌ظاهر اسلامی بر مبنای نسبت آن‌ها با رژیم صهیونیستی و رقابت‌های امنیتی دسته‌بندی شده‌اند. این تصویر، هشدار جدی برای سیاست خارجی ایران است. به‌ویژه آنجا که روابط اقتصادی و لبخندهای دیپلماتیک با کشورهایی که مناسبات راهبردی با تل‌آویو دارند، می‌تواند به بهای غفلت از تهدیدهای بلندمدت و گره خوردن شریان‌های اقتصادی کشور به اهرم‌های فشار دشمن تمام شود.

بی‌محابا، بلکه با تفکیک دقیق دوست، شریک موقت و بازیگر دارای منافع متعارض شکل می‌گیرد.

هشدار تهران

برای رعایت خطوط قرمز امنیتی

نقشه نتانیاهو، فارغ از اعتبار تمام دسته‌بندی‌های آن، یک پیام روشن دارد که تل‌آویو در پی تعریف دوباره مناسبات منطقه‌ای بر اساس منافع امنیتی خود و گسترش شبکه شرکای سیاسی و اقتصادی خویش است. قرار گرفتن امارات و جمهوری آذربایجان در حلقه دوستان این محور، هشدار برای سیاست‌گذاران ایرانی است تا میان روابط رسمی، منافع اقتصادی و هم‌سویی‌های امنیتی تمایز قائل شوند.

وجه مهم دیگر این نقشه، تلاش تل‌آویو برای تبدیل اختلافات درون جهان اسلام به فرصتی برای تثبیت نفوذ خود است. راهبردی که در آن، به جای مواجهه مستقیم با همه کشورهای منطقه، از رقابت‌های سیاسی، نگرانی‌های امنیتی و وابستگی‌های اقتصادی دولت‌ها برای شکل‌دهی به ائتلاف‌های موردنظر خود بهره می‌گیرد.

در چنین معادله‌ای، خطر فقط به همکاری مستقیم برخی دولت‌ها با رژیم صهیونیستی محدود نمی‌شود بلکه عادی‌سازی تدریجی حضور امنیتی و اقتصادی این رژیم در پیرامون ایران نیز اهمیت دارد. هرچه پیوندهای منطقه‌ای تل‌آویو گسترده‌تر شود، امکان دسترسی آن به ظرفیت‌های اطلاعاتی، مسیرهای تجاری و شبکه‌های نفوذ افزایش می‌یابد.

از این رو، تهران باید به جای اکتفا به واکنش‌های موردی، با دیپلماسی فعال همسایگان را به رعایت خطوط قرمز امنیتی متعهد کند و هم‌زمان هزینه هرگونه همکاری علیه امنیت ملی ایران را افزایش دهد. زیرا امنیت منطقه با اعتماد یک‌طرفه تأمین نمی‌شود، بلکه به موازنه‌ای روشن میان همکاری، منافع متقابل و مسئولیت‌پذیری نیاز دارد.

پاسخ مناسب به چنین وضعیتی، بازنگری واقع‌بینانه در وابستگی‌های اقتصادی، افزایش شفافیت درباره همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای و ایجاد مسیرهای جایگزین برای تجارت و مبادلات ارزی است. مماشات با مخاطرات راهبردی، به نام حفظ روابط، می‌تواند هزینه‌ای به‌مراتب سنگین‌تر از بازنگری در مناسبات اقتصادی داشته باشد.

لایه‌های امارات در ایران صورت پذیرفت نیز باید با دید خیانت و با چهل نگرینست.

اگر بخشی از تجارت خارجی، دسترسی ارزی و مبادلات مالی کشور به کانال‌هایی گره بخورد که در معرض نفوذ یا فشار بازیگران متخاصم قرار دارند، همان پیوندهای اقتصادی می‌توانند در زمان بحران به ابزار فشار تبدیل شوند. از این منظر، باید متنوع‌سازی مسیرهای تجاری، تقویت سازوکارهای مستقل تسویه مالی و کاهش آسیب‌پذیری در برابر تصمیم‌های سیاسی شرکای خارجی در دستور کار قرار گیرد.

هیچ امتیاز تاکتیکی کوتاه‌مدتی نباید جایگزین یک راهبرد پایدار برای استقلال اقتصادی شود. اگر رفت‌وآمدهای دیپلماتیک و پروازی میان تهران و ابوظبی به کاهش تنش کمک کند، می‌توان آن را در چارچوب مدیریت بحران ارزیابی کرد اما اگر این روابط به امید دریافت امتیازهای مقطعی، به نادیده گرفتن مخاطرات بلندمدت یا بازتولید وابستگی‌های پرهزینه منجر شود، حاصل آن چیزی جز تضعیف قدرت چانه‌زنی کشور نخواهد بود.

آذربایجان، در حلقه دوستان
اسرائیل و امارات

جمهوری آذربایجان نیز در نقشه نتانیاهو در حلقه دوستان محور اسرائیل و امارات قرار گرفته است. موضوعی که نمی‌توان از کنار آن به‌سادگی گذشت. روابط امنیتی نظامی باکو و تل‌آویو سابقه‌های طولانی دارد و همین واقعیت، لزوم بررسی دقیق مخاطرات ناشی از این همکاری‌ها برای امنیت ملی ایران را دوچندان می‌کند. در عین حال، استفاده رژیم صهیونیستی از حریم هوایی این کشور برای حمله به ایران و همچنین گزارش‌هایی در خصوص پرواز پهپاد از این منطقه برای ورود به خاک کشور نیز به خطر این کشور که به مرکزی جاسوسی برای رژیم صهیونیستی تبدیل شده است قابل توجه است.

در چنین شرایطی، پرسش اساسی این است که چرا باید در برابر سیاست‌هایی که می‌توانند امنیت ایران را با مخاطره مواجه کنند، ملاحظات سیاسی و اقتصادی کوتاه‌مدت بر ارزیابی راهبردی مقدم شوند؟ حفظ روابط با همسایگان، ضرورتی انکارناپذیر است اما این ضرورت به معنای چشم‌پوشی از تعارض منافع یا نادیده گرفتن رفتارهای زیان‌بار نیست. سیاست خارجی موفق، نه بر پایه دشمن‌تراشی

بر اساس نقشه‌ای که نتانیاهو به نمایش گذاشت، سه محور اصلی در معادلات منطقه‌ای ترسیم شده است: نخست، محور اسرائیل و امارات که کشورها و بازیگرانی مانند یونان، اتریش و جمهوری آذربایجان نیز در حلقه دوستان آن قرار گرفته‌اند. دوم، آنچه در این نقشه «ائتلاف سنی» نامیده شده و عربستان سعودی، ترکیه، مصر و پاکستان را در بر می‌گیرد و کشورهای نظیر اردن و سوریه نیز در حلقه دوستان آن دیده می‌شوند؛ سوم، محور ایران و نیروهای همسو با آن، شامل حزب‌الله لبنان، انصارالاسلام، حماس و بخش‌هایی از عراق. در کنار این تقسیم‌بندی، مناسبات برخی کشورها با آمریکا و اعضای ناتو نیز وجود دارد.

اما نکته قابل‌تأمل در این نقشه، جایگاه ویژه امارات متحده عربی است. کشوری که در کنار رژیم صهیونیستی در محور اصلی آبی‌رنگ قرار گرفته و روابط رسمی خود را با تل‌آویو از سال ۲۰۲۰ عادی‌سازی کرده است. این جایگاه، بار دیگر ضرورت بازنگری در نوع نگاه سیاست خارجی ایران به ابوظبی را برجسته می‌کند. امارات در سال‌های گذشته از گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی با رژیم صهیونیستی دریغ نکرده است. همکاری‌های دو طرف نیز به حوزه دیپلماسی محدود نمانده و زمینه‌های اقتصادی و فناوریانه را در بر گرفته است.

لایه گره‌های اماراتی در تهران

در شرایط جنگی نیز این پرسش جدی مطرح است که آیا تداوم پیوندهای مالی و تجاری با کشوری که در معماری امنیتی مطلوب نتانیاهو جایگاهی برجسته دارد، بدون ارزیابی دقیق مخاطرات امنیتی آن، با منافع بلندمدت ایران سازگار است؟ درباره نقش مشخص امارات در پشتیبانی لجستیکی از عملیات نظامی علیه ایران و همچنین چشم‌پوشی از هدف قرار دادن برخی زیرساخت‌های آن نیز که به واسطه

یادداشت

وقتی دشمن از براندازی می‌گوید، سکوت یعنی دعوت به حمله

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

مجموعه مواضع و تحولاتی که تنها طی یک هفته گذشته رخ داده، دیگر حتی جایی برای خوش بینی‌های ساده اندیشانه باقی نگذاشته است. مسئله آمریکا و اسرائیل نه یک اختلاف هسته‌ای محدود، نه چند سانتیفریوژ و نه حتی یک توافق موقت است؛ دشمن از هدف تمدنی خود برای نابودی جمهوری اسلامی و خنثی‌سازی دائمی خطر ایران در برابر محور استعماری آمریکا و اسرائیل عقب ننشسته است.

سفر محرمانه پیت هگست به اسرائیل یکی از تازه‌ترین نشانه‌هاست. کانال ۱۳ اسرائیل گزارش داد «وزیر جنگ آمریکا در پایگاه هوایی عوودا با نتانیاو دیدار کرده و یک منبع آگاه گفته است: «در این دیدار درباره تعدادی از مسائل از جمله ایران بحث و تبادل نظر شد.» نشست حدود دو ساعت طول کشید و در کنار مقامات ارشد اسرائیلی، از حضور افرادی از امارات نیز خبر داده شد. هگست سپس با نظامیان آمریکایی در پایگاهی که دیدار کرد و مأموریت آنان را «مأموریتی تاریخی» خواند. «ماریو نیز این سفر را در متن راپزنی‌های آمریکا و اسرائیل درباره احتمال ازسرگیری اقدامات نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای و نظامی ایران قرار داد.

در همین صحنه، حضور امارات معنای سیاسی ویژه‌ای دارد. ابوطیبه آشکارا در تمام ترتیبات امنیتی منطقه در کنار آمریکا و اسرائیل حرکت می‌کند و در تنگه هرمز نیز در برابر راداره ایران نقش آفرینی می‌کند؛ با این همه، ظاهراً هنوز فهم این واقعیت ساده برای برخی دشوار است که امارات در قواره حتی یک «کشور با روابط عادی» برای ایران نیست.

در سوی دیگر، شاید یکی از مهم‌ترین اسناد «تعهد عاشقانه ترامپ نسبت به اسرائیل» حمایت تمام‌قد ترامپ از نتانیاو در انتخابات است. ترامپ نه تنها «نتانیاو» را «شریک بزرگ آمریکا خواند، بلکه درباره ایران تهدید کرد: «ما به زودی کار را تمام خواهیم کرد.» نتانیاو نیز روز سه شنبه در گفت و گو با شبکه ۱۴ اسرائیل اظهار داشت: «ترامپ گفت که باید تهدید ایران را یک بار برای همیشه از بین برد. ترامپ معتقد است که این کار تنها با مشارکت من و او امکان‌پذیر است. او از شهروندان اسرائیل خواست به من رأی بدهند و گفت که هیچ کس دیگری این کار را انجام نخواهد داد و اگر فرد دیگری انتخاب شود، او نیز این کار را نخواهد کرد.

در این میان وقتی طرف مقابل آشکارا از براندازی، حمله و «تمام کردن کار» سخن می‌گوید، موضع‌گیری ضعیف سیاسی می‌تواند زمینه‌ساز محاسبه غلط و اقدام نظامی جدید دشمن شود. اینجاست که برداشت ساده اندیشانه قالیباف در خصوص لحن تند ترامپ با نتانیاو در موضوع لبنان نیز باید دوباره روی میز گذاشته شود. حمایت صریح ترامپ از نتانیاو را مقابل آن تحلیل‌ها باید گذاشت و باید پرسید: آیا آن «شکاف» واقعی بود یا نمایش؟ آیا اطلاعات و تحلیل‌هایی که بر مبنای آن سیاست‌گذاری شد، اساساً معتبر بود؟ آیا پس از گزارش اذر ۱۴۰۴ واشنگتن پست از جنگ زرگری ترامپ و نتانیاو هنوز عده‌ای معتقد به جدایی این دو هستند؟ تام باراک سفیر آمریکا در ترکیه و یکی از ذی‌نفوذان در سیاست خاورمیانه‌ای ترامپ نیز می‌گوید آمریکا نمی‌خواهد منطقه را ترک کند. پاسخ ایران نمی‌تواند سکوت باشد. اخراج آمریکا از منطقه باید دوباره با صدای بلند به عنوان یک راهبرد سیاسی، نظامی و اقتصادی مطرح شود. دشمن هدفش را پنهان نمی‌کند؛ خطر آنجاست که ما در برابر این صراحت، خود را به نشنیدن بزنینم.

وقتی نفت بالا می‌رود، میانجی‌ها می‌رسند

مسئله فقط نام مسافران تهران نیست؛ زمان سفرهاست. در هفت ماه اخیر هرگاه قیمت نفت صعودی شده، تحرک بازیگران منطقه‌ای نیز افزایش یافته است. اکنون نیز همزمان با رسیدن برنت به محدوده ۱۱۰ دلار، پاکستان، امارات و روسیه در کانون راپزنی‌ها قرار گرفته‌اند؛ درحالی‌که تهران باید مراقب باشد امتیازی پیش از انتخابات به ترامپ و نتانیاو ندهد که پس از انتخابات علیه خود ایران به‌کار گرفته شود.

عاصم منیر در حالی وارد تهران شد که مرزهای پاکستان به روی کامیون‌های ایرانی بسته و نفت به ۱۱۰ دلار رسیده است

میانجی ناخوانده

نگاهی به سفرهای رسمی، آشکار و غیررسمی به تهران در هفته اخیر، حاوی نکات و هشدارهایی است که در وضعیت حساس فعلی اهمیتی دوچندان دارد. از سفر برنامه‌ریزی‌نشده عاصم منیر و حضور لاوروف تا



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

مسیری حرکت کرده که با طرح محاصره زمینی ایران از سوی اسکات بنست و وزارت خزانه داری آمریکا هم‌جهت است. همزمان سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه نیز به تهران آمد. برخی فعالان سیاسی مدعی شده‌اند این سفر در ادامه راپزنی‌های مسکو برای انتقال و رقیق‌سازی اورانیوم ۶۰ درصد، براساس چارچوبی بوده که ایران پیش از جنگ به‌وسیله شهید لاریجانی پذیرفته بود و آمریکا با رد آن، قصد واقعی برای جنگ را نشان داد. در ضلع سوم، براساس گمانه‌زنی‌های مبتنی بر داده‌های ناوبری فلایت رادار و ادعای میدل ایست‌آی، طی روزهای اخیر یک هواپیمای دولتی اماراتی نیز به ایران پرواز کرده است.

نشانه‌ها زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که این تحرکات کنار تهدیدهای صریح آمریکا و اسرائیل قرار گیرد. در شرایطی که مواضع دولت‌های ترامپ و نتانیاو از شروع جنگ سوم علیه ایران حکایت دارد، دوباره همان دور باطل دیپلماسی ضعیف در حال خودنمایی است: قیمت نفت به واسطه پاسخ محکم سپاه پاسداران و انصااللهین صعود می‌کند، عاصم منیر، قطر و امارات وارد میدان می‌شوند، عراقچی درباره «مذاکرات سازنده» توثیق می‌زند و سپس قیمت نفت به نفع ترامپ و جمهوری خواهان در آستانه انتخابات کنترل می‌شود.

اگر گمانه‌زنی‌ها درباره تلاش روسیه برای ترغیب ایران به تحویل اورانیوم ۶۰ درصد

نگاهی به رفت و آمدها به سمت تهران طی هفته اخیر، یک سؤال جدی را پیش روی افکار عمومی قرار می‌دهد: چرا درست در حساس‌ترین مقطع، مسیر تهران دوباره شلوغ شده است؟ عاصم منیر، فرمانده ارتش و حاکم غیررسمی پاکستان، در سفری برنامه‌ریزی‌نشده و مطابق الگویی که طی هفت ماه اخیر بارها مشاهده شده، درست پس از صعودی شدن قیمت جهانی نفت وارد تهران شد. عجیب‌تر آنکه اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه، درباره این سفر گفت: «دلیل سفر عاصم منیر به تهران رانمی‌دانم. باید با ایشان صحبت کنیم تا ببینیم قرار است درباره چه موضوعی صحبت کنیم.»

در این میان العربی‌الجدید مدعی شد: «قطر و پاکستان «پیشنهاد سازشی» را ارائه داده‌اند که تا مذاکرات از سر گرفته شود. این پیشنهاد که عاصم منیر به مقام‌های ایرانی منتقل کرد، مورد تأیید آمریکا و پیش‌تر ایران است و شامل پرداخت ۶ میلیارد دلار سود دارایی‌های مسدود شده ایران در بانک‌های قطر می‌شود. «این سفر در شرایطی انجام شده که پاکستان برخلاف رویکرد دوستانه تهران، طی هفته‌های گذشته با انسداد یک‌طرفه مرزهای ریمدان و تفتان تحت عنوان پوششی اقدامات فنی، عملاً در

سیاست خارجی

معاون حقوقی ارتش: قطر سندی درباره شهادت خلبانان ایرانی ارائه نکرده؛ از نظر ما آنها زنده هستند



امیر مسلم یعقوبی، معاون حقوقی ارتش جمهوری اسلامی ایران، درباره پیگیری سرنوشت خلبانان ایرانی در قطر گفت: «قطر هیچ سندی درباره شهادت آنها ارائه نکرده و از مراجع بین‌المللی در حال پیگیری هستیم.» براساس مدارک و ادعاهای ضدونقیض دولت قطر (به استثنای شهید سرتیپ دوم مجید کاظمی که شهادتش با آزمایش دی‌ان‌ای اثبات شد) ما از نظر حقوقی زنده بودن خلبانان دیگر را «مفروض» می‌دانیم. یعنی اصل بر این است که آنها زنده هستند، چون هیچ دلیلی برای شهادتشان ارائه نشده است، در نتیجه مسئولیت بین‌المللی حقوقی قطر کماکان پا برجاست.

یعقوبی با اشاره به مسئولیت بین‌المللی قطر تصریح کرد: «قطر طرف‌تخاصم نبود و پایگاه‌های آمریکایی مستقر در آنجا طرف‌تخاصم بودند، اما اگر اصابتی صورت گرفته، در فضای پیرامونی دولت قطر اتفاق افتاده و مسئولیت بین‌المللی قطر پابرجاست.» معاون حقوقی ارتش گفت کشور میزبان اسیر مسئولیت یافتن، درمان، ارائه اطلاعات به خانواده و تحویل اسرا به مراجع ذی‌صلاح را برعهده دارد. جلساتی در وزارت خارجه و با مسئولان ستادکل نیروهای مسلح داشتیم و با بررسی اطلاعات به این نتیجه رسیدیم که خلبانان ما زنده هستند. مردم ایران از قطر انتظار دارند ولو تحت فشار آمریکا به جد مراقب جان خلبانان غیور باشند. عملکرد قطر در این صحنه از یک طرف بیانگر میزان استقلال آنها و از طرف دیگر برای همیشه در تاریخ و خاطره ملت بزرگ ایران ثبت خواهد شد.

جشنواره فیلم کوتاه تهران؛ دیگری اسلامی و ایرانی

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

چهل و سومین جشنواره فیلم کوتاه تهران، دست‌کم در شیوه‌ی برگزاری و آنچه از فضای عمومی آن به چشم می‌آید، فاصله‌ی معناداری با متر و معیارهای یک جشنواره‌ی داخلی با هویت اسلامی و ایرانی دارد. پوشش مدعوبین و حاضران، نه تنها نسبتی با معیارهای عرفی و اسلامی مورد انتظار از چنین رویدادی ندارد، بلکه این پرسش را پیش می‌کشد که اساساً برگزارکنندگان چه نسبتی میان هویت رسمی کشور و جشنواره‌ای که در همین کشور برگزار می‌شود، تعریف کرده‌اند.

البته مسئله فقط به پوشش حاضران محدود نمی‌شود. نگاهی به سوژه‌های فیلم‌ها نیز نشانه‌هایی از همین فاصله را آشکار می‌کند. اگر تعدادی از آثار ارگانی را کنار بگذاریم، کمتر با فیلم‌هایی مواجه می‌شویم که به مسائل انضمامی جامعه‌ی ایران و تجربه‌ی زیسته‌ی مردم بپردازند.

در عوض، سوژه‌ی مهاجرت در میان آثار حضوری پررنگ دارد؛ گویی مسئله‌ی اصلی، نه فهم پیچیدگی‌های جامعه‌ی ایران، بلکه روایت میل به خروج از آن است. در کنار این موضوع، بازنامایی باورهای عامیانه و حتی خرافی نیز قابل تأمل است؛ به ویژه آنجا که این باورها به اسلام و تشیع گره می‌خورند.

در چنین آثاری، دین نه به مثابه بخشی از هویت تاریخی و فرهنگی جامعه، بلکه در جایگاه امری مسئله‌ساز و گاه مانعی در برابر زندگی فردی تصویر می‌شود. انکار فیلم‌سازان با دیگری‌ای مواجه‌اند که باید خود را در تقابل با آن تعریف کنند؛ دیگری‌ای که در اینجا بیش از هر چیز، اسلام و تشیع است. البته نمی‌توان همه‌ی آثار جشنواره را با یک حکم کلی داوری کرد یا از هر فیلمی انتظار داشت که در خدمت بازنامایی مستقیم ارزش‌های رسمی باشد.

مسئله، شکل‌گیری یک گرایش غالب و نسبت آن با هویت فرهنگی جامعه‌ای است که این جشنواره در بستر آن برگزار می‌شود. نشانه‌ی نمادین این گسست را می‌توان در فضای خود جشنواره نیز دید. به جز پوستری در ورودی که تصویر شهید و آقا مجتبی بر آن نقش بسته، حضور نمادهای جمهوری اسلامی در فضای عمومی جشنواره تقریباً به چشم نمی‌آید. این غیبت، در کنار آنچه در پوشش حاضران و این جدی‌ای فیلم‌ها دیده می‌شود، پرسشی جدی ایجاد می‌کند: آیا با جشنواره‌ای مواجهیم که صرفاً از هویت رسمی کشور فاصله گرفته با اساساً در حال تعریف هویتی در تقابل با آن است؟

از بازی‌های خارجی در گیم‌نت‌ها تا ظرفیت مغفول اسطوره‌ها

سهم اندک روایت‌های ملی در صنعت بازی

از محصولات داخلی نیز از نمونه‌های خارجی الگوبرداری می‌کنند. این وضعیت در حالی است که ایران برای طراحی بازی، با کمبود سوژه مواجه نیست؛ از قصه‌های قرآن و پهلوانان شاهنامه تا تاریخ معاصر و زندگی شخصیت‌های اثرگذار ایرانی، ظرفیت‌های فراوانی برای خلق سرگرمی وجود دارد. تجربه تولید بازی‌هایی با موضوع شاهنامه و تاریخ ایران نیز نشان داده است که این مسیر امکان‌پذیر است، اما هنوز به جریانی گسترده و پایدار تبدیل نشده است.

بازار بازی‌های رومیزی و کارتی در ایران، با وجود گسترش علاقه به سرگرمی‌های جمعی، هنوز با یک پرسش اساسی روبه‌روست: سهم فرهنگ ایرانی‌اسلامی از بازی‌هایی که خانواده‌ها می‌خرند و کودکان و نوجوانان در خانه و کافه‌ها تجربه می‌کنند، چقدر است؟ آخرین برآوردها نشان می‌دهد سهم بازی‌های رومیزی با طراحی داخلی از بازار ایران حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد است؛ ضمن آن که تولید در داخل کشور لزوماً به معنای برخورداری از ایده و روایت ایرانی نیست و بخشی



وحید ناظری
روزنامه‌نگار

بازی رومیزی یا بوردگیم، صرفاً مجموعه‌ای از کارت‌ها، مهره‌ها و قواعد برای سرگرم شدن نیست. هر بازی می‌تواند جهان خاصی را پیش روی مخاطب قرار دهد؛ جهانی که شخصیت‌ها، داستان‌ها و ارزش‌های آن بر تجربه بازیکن اثر می‌گذارند. از همین رو، صنعت بازی را باید بخشی از عرصه فرهنگ و تربیت نسل آینده دانست؛ عرصه‌ای که در آن، کیفیت سرگرمی و محتوای فرهنگی باید در کنار یکدیگر قرار گیرند.

نگاهی به بازار بازی‌های کارتی و رومیزی نشان می‌دهد بسیاری از عناوین شناخته‌شده، بر اساس ایده‌ها و جهان‌های داستانی خارجی شکل گرفته‌اند. این حضور در کافه‌های بازی نیز به چشم می‌خورد. جایی که مخاطب برای تجربه یک سرگرمی جمعی، با مجموعه‌هایی مواجه می‌شود که بسیاری از آن‌ها ریشه در فرهنگ‌های دیگر دارند. مسئله، نفی بازی‌های خارجی نیست. مسئله آن است که چرا روایت‌های ایرانی در انتخاب‌های موجود، سهمی متناسب با ظرفیت فرهنگی کشور ندارند.

برآوردهای مطرح‌شده سهم بازی‌های رومیزی با طراحی داخلی را حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد بازار ایران اعلام می‌کند. در همان ارزیابی، به الگوبرداری یا کپی‌برداری بخشی از تولیدات داخلی از نمونه‌های خارجی نیز اشاره شده بود. بنابراین، باید میان سه مفهوم تفاوت گذاشت: بازی وارداتی، بازی خارجی که در داخل تولید می‌شود و بازی‌ای که

جواد قارایی؛ طبیعت‌گردی وطن‌پرست

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

جواد قارایی، طبیعت‌گرد و مستندساز، تصویری از لحظه کشف خلبان ایرانی جنگنده 130-YAK منتشر کرده است؛ خلبانی که در جریان جنگ ۴۰ روزه، پس از هدف قرار گرفتن هواپیمایش، ناچار به ایجکت در کوه‌های لواسان شده بود. این تصویر از آن جهت اهمیت دارد که با یک صحنه واقعی مواجهیم؛ نه خبری از صحنه‌سازی است و نه قهرمان‌سازی تصنعی. آنچه می‌بینیم، حقیقتی است که به‌تنهایی می‌تواند هر انسان وطن‌دوستی را به شعف بیاورد.

کوهستانی پوشیده از برف و مردی که در نمایی دور، در دل طبیعت حرکت می‌کند. قارایی در حین فیلم‌برداری به ستایش خلبان می‌پردازد و همین واکنش طبیعی، به جذابیت تصویر می‌افزاید. نه دیالوگی از پیش نوشته شده، نه موسیقی حماسی و نه جلوه‌های ویژه‌ای در کار است. طبیعت است و انسانی که با وجود تمام خطرهای دشواری‌ها، وظیفه خود را انجام داده است.

جواد قارایی نمونه یک طبیعت‌گرد وطن‌پرست است؛ کسی که در روزهای حمله به کشور، با هر چه در اختیار داشت، به دفاع از میهن پرداخت. اکنون نیز با انتشار این ویدیو، تصویری ثبت کرده که نظیر آن را می‌توان در بهترین آثار سینمایی جهان جست‌وجو کرد. اگر چنین اتفاقی در هالیوود رخ می‌داد، بعید بود به انتشار یک ویدیوی کوتاه ختم شود. از آن فیلم و مستند می‌ساختند، موسیقی حماسی روی تصاویر می‌گذاشتند و لحظه نجات خلبان را به سکانسی فراموش‌نشده تبدیل می‌کردند. اما اینجا واقعیت تمام آن چیزی را که سینما برای ساختنش به ابزارهای متعدد نیاز دارد، یک‌جا در اختیار ما گذاشته است.

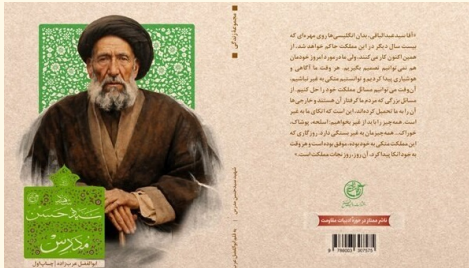
اهمیت کار قارایی نیز دقیقاً در همین جاست. او فقط یک تصویر منتشر نکرده، بلکه بخشی از حافظه تصویری یک ملت را ثبت کرده است. وطن فقط یک محدوده جغرافیایی نیست؛ وطن، انسان‌هایی است که برای آن ایستادگی می‌کنند و در سخت‌ترین شرایط، مسئولیت خود را فراموش نمی‌کنند.

وطن دوستی همیشه به معنای حضور در میدان نبرد نیست. گاهی دفاع از وطن با سلاح انجام می‌شود و گاهی با ثبت حقیقت و روایت قهرمانی‌هایی که نباید در هیاهوی اخبار روزمره فراموش شوند. در روزگاری که عده‌ای برای جلب رضایت جشنواره‌های خارجی، تصویر وطن خود را به سیاه‌ترین شکل ممکن به نمایش می‌گذارند، قارایی از زاویه‌ای دیگر به ایران نگاه می‌کند؛ زاویه‌ای که در آن، زیبایی طبیعت، شجاعت انسان ایرانی و تعلق به سرزمین در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند.

جواد قارایی نشان داده است که می‌توان با دوربین هم از وطن دفاع کرد. گاهی یک قاب ساده از کوهستان و یک خلبان نجات‌یافته، بیش از ساعت‌ها سخنرانی درباره وطن دوستی حرف برای گفتن دارد.

زندگی او سرگذشت مردی است که استقلال رأی و پایداری به باورهایش را بر آسایش و مصلحت‌جویی ترجیح داد. کتاب «زندگی شهید آیت‌الله سید حسن مدرس» این مسیر پر فراز و نشیب را در قالب روایتی زنده و داستانی بازآفرینی می‌کند. نویسنده که از طلاب حوزه علمیه تهران است، از کودکی و تحصیل مدرس در اصفهان و نجف آغاز می‌کند و سپس به فعالیت‌های سیاسی او در دوران مشروطه، مجلس، مقابله با نفوذ بیگانگان و ایستادگی در برابر قدرت حاکم می‌پردازد. ویژگی این روایت، توجه به ابعاد مختلف شخصیت مدرس است؛ شجاعت و صراحت سیاسی در کنار ساده‌زیستی، قناعت و پایداری به وظایف دینی. او در کتاب فقط چهره‌ای تاریخی نیست، بلکه انسانی است که باورهایش در انتخاب‌های روزمره و تصمیم‌های بزرگش نمود دارد.

این اثر ۱۰۴ صفحه‌ای را ابوالفضل عرب‌زاده با تکیه بر منابع مکتوب نوشته و انتشارات روایت فتح منتشر کرده است.



شهید آیت‌الله سید حسن مدرس از روحانیون مبارزی بود که در کنار فعالیت‌های علمی و دینی، در سیاست نیز حضوری فعال داشت و در برابر استبداد و زیاده‌خواهی صاحبان قدرت ایستاد. از سال‌های تحصیل و تدریس در حوزه‌ها تا حضور در مجلس شورای ملی و مخالفت با سیاست‌های رضاشاه،

کتاب زندگی شهید آیت‌الله سید حسن مدرس منتشر شد!